



دانشگاه به من آموخت آن کس که اول مهر کلاس ها را می پیچاند همان کسی است که نمره الف کلاس می شود.

نشریه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی (طنز) دانشگاه علوم پزشکی لرستان ، شماره اول ، مهر ماه ۹۶

پنگوئن

قیمت ۳۰۰ تومان



باز آمد بوی ماه مهر؟!

نشریه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی (طنز) دانشگاه علوم پزشکی لرستان ، شماره اول ، مهر ماه ۹۶

من و استادم



محمد شکر سنجابی

مهر بر وزن مهریه!

می دانید استاد ، ما آدم ها عادت کرده ایم غصه زمان هایی را بخوریم که هنوز نیامده است ، مثلا همین مهر ، شهریورمان را حرام میکنیم ، از ترس اول مهر ، در حالی که اول مهری هم عملا وجود ندارد همه ما میدانیم با همت همکلاسی و لطف شما اول مهر را آخر مهر شروع می کنیم. اما همیشه دلهره آن بر جان و دلمان سنگینی می کند و کل کارهایمان را تحت شعاع خودش قرار می دهد. استاد ، من قصدش را داشتیم همین تابستان گذشته به خاستگاری دختری بروم اما از ترس

مهریه ، که به نظرم نمونه کوچکی از مهر است ، جسارت چنین کاری را به خودم ندادم ، هر چه هم به خودم میگفتم بابا حالا کو تا مهریه ، فایده ای نداشت ، هر چه نهیب میزدیم که اصلا انگار کن ، مهریه مهری کوچک است که آخر کار طلب میکنند و تازه آن را هم کی داده کی گرفته! اما باز هم فایده ای نداشت... استاد ، به نظرم ، اصلا اینکه ما سرانه ازدواجمان به شدت پایین آمده ناشی از همین اول مهر است و مقصر هم شما هستید که رغبت و انگیزه اول مهری برای ما ایجاد نکرده اید تا ما از طریق مهر علاقه مند به مهریه و سپس ازدواج شویم ، همین که اسم مهر ، مهریه ، مهربانو ، مهربان و هر چه مهر دارد می آید حالمان مهری می شود و بی خیال ازدواج می شویم . اما استاد حالا شاید

بگویند اینها واقعا ربطی ندارد اما اگر ربط ندارد چطور آن وقت ها که میزان بی سواد ها بیشتر بود تعداد ازدواج ها هم بیشتر بود؟! خب چون بی سواد ها مدرسه نمی رفتند و هول اول مهر و مهریه ای هم نبود . استاد به نظرم شما بیایید سنت شکنی کنید و کلاس های خودتان را برای همیشه یا از اول آبان شروع کنید یا کلا درس و تدریس را کنار بگذارید که حداقل با این کار هم زمین را هم برای اشتغال چندین جوان و هم برای ازدواج آن ها با مهر فراهم کنید ... شاید با این تدبیر مهرگان دختر همسایمان که من هنوز هم نمی دانم ، چطور اسمش مهرگان شده با آن وجناتش، ازدواج کند و سایه شوم مهر از سر همه رخت بر بیند!

شناسنامه

نشریه سیاسی ، اجتماعی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی لرستان
شماره مجوز : ۴۰/۱۱۱ / ف / ن
شماره اول ، مهر ماه ۹۶
صاحب امتیاز : محمد بازوند
مدیر مسئول : محمد بازوند
سر دبیر : خاطره دایی چینی
تحریریه این شماره : محمد شکر سنجابی ، مجید حیدریان ، محمد بازوند
ویراستار : احمد دالوند
طراحی کاریکاتور : خاطره دایی چینی

شاد باش

به اطلاع عموم دانشجویان، اساتید و پرسنل محترم دانشگاه علوم پزشکی لرستان می رساند، نشریه ای که هم اکنون در دستان شماست، برگ زرین و گنجینه ای ارزشمند است که فقط ۵۰ نسخه از آن در کل دانشگاه چاپ شده ، این حرکت ارزشمند! از سوی معاونت دانشجویی فرهنگی با هدف کمک به محیط زیست جلوگیری از قطع درختان و خدمت به سلامت چشمان پر فروغ شما مخاطبین عزیز انجام شده است . مطمئنا این ابتکار معاونت دانشجویی فرهنگی باعث می شود دانشجویان بیش از پیش رنگ کاغذ را به چشم نبینند و سرانه مطالعه همان یک دقیقه باقی بماند . این حرکت برای اولین بار چشم خود ما پنگوئنی ها را هم روشن کرد و دانستیم نشریات دانشجویی دیگر حتی جنس مرغوبی برای تمیز کردن شیشه ها هم نیستند.

تحریریه نشریه پنگوئن این تدبیر معاونت فرهنگی - دانشجویی را به عموم نشریات دانشجویی شادباش می گوید

نیازمندی

به یک دانشجو ترجیحا ترم اولی که دغدغه سلام کردن اول مهر را نداشته باشد به شدت نیازمندیم.

توجه توجه

به یک استاد که اول مهر نیاید و آخر آذر برود ، با حقوق مزایای هیئت علمی و بدون جزوه و کتاب ، با امتحان فرمالیته نیازمندیم .

به یک دانشکده در گلدشت ، که مشکل کمبود کلاس نداشته باشد نیازمندیم !

جمعی از نمایندگان آواره کلاس ها

مخاطبین گرامی نشریه پنگوئن آماده دریافت نیازمندیهای شما از طریق یکی از پل های ارتباطی زیر است . به عبارتی تلگرام هم داریم .

نتانیاهاو : پنگوئن ها هم ما را دوست دارند

پنگوئن ها : شات آپ نتانیاهاو!



خاطره دایی چینی

در حالی نتانیاهاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی ، هفته گذشته در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: در سال گذشته به ۶ قاره جهان سفر کردم. فقط به قطب جنوب نرفتم. البته می دانم که حتی پنگوئن های آنجا هم ما را دوست دارند! که پیش تر پنگوئن ها از جار خود را از رژیم غاصب صهیونیستی اعلام کرده بودند. پیش بینی میشود این حرکت نتانیاهاو در پی محبوبیت بیش از حد نشریه پنگوئن دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شده چون او به خوبی می داند اگر این نشریه محبوب را جذب کند بسیاری از مشکلاتش حل میشود ، اما تحریریه نشریه پنگوئن تو دهنی محکمی به وی خواهد زد. تا درس عبرتی برای همه کسانی باشد که قصد صادره نشریات دانشجویی به نفع خود را دارند.

سر سخن

من نمی دانم که چرا می گویند اسب حیوان نجیبی است کبوتر زیباست و چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست و چرا «پنگوئن» اسم یک نشریه نیست! چشمها را باید شست جور دیگر باید دید واژه ها را باید شست

خاطر مبارکتان را با مقدمه ای طولانی مکدر نکنیم و ضمیر هوشیارتان را خوابانیم و به همین چند واژه از مدیر مسئول که فهمیدیم بعد ها حضرت سهرابشان هم کپی اش را زده بسنده می کنیم و در خاطرتان نشان می کنیم که پنگوئن نشریه ای است از دانشگاه علوم پزشکی لرستان ، دارای مجوز و آماده حرکتی پنگوئن گونه

سرمای نشریه را با حضور شما گرم خواهیم کرد و نشان میدهیم در قطب هم دو موجود می زیند! یکی مخاطب و دیگری پنگوئن

اینجا همه چیز خنک خنک است

در این شماره داریم

اندر احوالات بوی ماه مهر
محمد بازوند

تاکسونومی ترم اولی ها
مجید حیدریان

پنگوئن



pango.lums

@pango_lums

خدا پنگوئن ها را دوست دارد ، شما چطور؟



تاکسیدومی ترم‌اولی‌ها

مجید حیدریان



داشتن و دهنشون سرویس شده، یا قبل از دانشگاه عاشق شدن و الان دارن غم فراق رو تحمل می‌کنن، یا کلا بی‌خیالن و به‌چیزی اهمیت نمیدن. اینا بهترین گزینه‌ها برا دوستی و رفاقت.

معمولا یه عده مارک‌پوش خفن و شاینی ماینی هم هستن که خودشونو افضل و نامبر وان می‌دونن و همه رو با گوشه‌ی چشم و دیده‌ی تحقیر می‌نگرن و جیباشونم کوچیک‌تر از اونیه که برا گوشی و سویچ ماشینشون جا داشته باشه. اینا معمولا تمام آدمای اطرافشونو با میزان درآمد و پول توجیبی‌شون می‌سنجن، حتی دیده شده که یکیشون با یکی از کارمندا حرفش شده و تا نیم‌ساعت بعدش برای اثبات حقانیت خودش می‌گفته «پول توجیبی من چار برابر حقوق ماهیانه‌ی اینه!» اینا دائما تلاش می‌کنن خلاء شخصیتی خودشونو با اینجور مقایسه‌ها موقتا پر کنن. تعدادی دختر ادیت‌شده با ماتوهای کوتاه‌تر از پیره‌ن مردونه و موسوم به پلنگ و شاخ و... هم هستن که معمولا عاشق و دل‌باخته‌ی گروه بالایی میشن و منزجرکننده‌ترین کاپلای دانشگاه رو تشکیل میدن.

توی هر ورودی هم معمولا یکی دو نفر پیدا می‌شن که با دیدن چن‌تا عکس از چه‌گونه‌وارا و خوندن دو تا نقل قول از صادق هدایت و گوش کردن به چن تا آهنگ رپ جوگیر شدن و فک می‌کنن دردمندن و باره‌ی به دوش دارن و از بقیه بیشتر می‌فهمن. اینا همیشه خستنه و اکثرا از شدت سنگینی بار مذکور، اهل دود و دم هم هستن. اینام معمولا تنهایی توی آلاچیق دیده میشن ولی چون توی فیلمن، دائما حواسشون به اینه که یه‌جوری جلب توجه کنن و یکی ببیننشون، به‌خاطر همینم خیلی ضایع و تابلوئن. یادتون باشه که هیجوقت نذارین اینا نماینده یا مسئول یه‌چیزی شن، چون از شدت احساس وظیفه نسبت به چریک درونشون، رو به مبارزه‌ی مدنی با استاد و مسئولین میارن و شماین که حسابش رو پس میدین!

جدا داره به عزیزان سمپادی هم مختصرا یه اشاره‌ای داشته باشیم. دوستانی که فک می‌کنن یه‌گونه‌ی جدا و برتر هستن و بقیه‌ی همکلاسیاشون تو مدارس کبری درس خوندن و شانسی قبول شدن و آی‌کیوشون پایین‌تر از ایناس! اینا کلا توی هر چی از هر کی شکست بخورن یه ندای درونی بهشون میگه «تو یه سمپادی نابغه هستی! اینا کیف و کتابتم نیستن!» و همینجوری خودشونو گول میزنن و برا این‌که یه وقت این واقعیت مهم رو فراموش نکنن حتما باید توی بیوی اینستاگرامشون بنویسن اکس‌سمپادی! (حرف از اینستاگرام شد، لازمه بگم که اینستاگرام بهترین محیطه برا شناختن همکلاسیا و هم‌دانشگاهیاوتون. اونقدری که از بیوگرافی و پستاش و چیزایی که لایک می‌کنه می‌تونین اطلاعات کسب کنین، از خودش و دیدار حضوری نصیبتون نمی‌شه!

به‌عنوان یه اصل کلی اینو در نظر داشته باشین که اگه طرف از همون روز اعلام نتایج کنکور اومده اسم رشته‌ش رو انگلیسی و مخفف تو بیوی اینستا‌ش نوشته، هنوز نابالغ‌تر ازین حرفاس که بشه روش حساب وا کرد!

توی همین روزای اول هم یکی میاد می‌شینه پشتون و کلی گرم می‌گیره و سوال می‌پرسه و



لکتر احوالات پوی ماه مهر

محمد بازوند

باز آمد بوی ماه مهر، ترانه ای آشنا برای دانش از نوع جو یا نوع آموز است.

حالا جای سوال است ماه مهر چه بویی می دهد که می گویند بوی ماه مهر...

اگر دانشجوی غیر ترم اولی باشید بو های مختلفی را میتوانید استشمام کنید ، به نظر من این بو کنایه از چیز دیگری است،نظیر سحر خیزی و زود خوابی جدایی از الافی و پایان ولو شدن در فضای مجازی و.....

برای این دانشجویها سحر خیزی برای کامروایی نیست بلکه از ترس حذف توسط استاد به اصطلاح سیتما‌تیک است.

حالا که اسم استاد هم وسط آمد یک لحظه هم در کسوت استاد بنشینیم تا بوی مهر را از جایگاه استاد بودن نیز استشمام کنیم....

بوی مهر نویدبخش چیزهای زیادی از جمله شنیدن واژه ی شیوای است!!!!اد توسط دختران دانشجویست.

که بی شک این چنین خطاب کردن هایی بی طمع نیست...

سرو کله زدن با دانشجویان پیرامون بحث جزوه یا کتاب و شنیدن جملاتی نظیر استاد کتاب بخیریم یا جزوه میگیرید؟! از این ها که بگذریم به بحث سر تعداد جلسات تشکیل کلاس میرسیم که خود این مقوله هم یک چالش ادیت کننده برای استاد است....

بگذریم و بازگردیم به همان کسوت دانشجویی آن هم دانشجوی ترم اول.



بودن سر به هوا و آشفته به این طرف و آن طرف رفتن چالش لباس و دیگر اتفاقاتی که هر دانشجویی وقتی ترمک بوده آنها را تجربه کرده است.

از دیگر ویژگی های ترمک ها برایتان بگویم از حال غریب آن دانشجوی دختر ترم اولی که سوگلی بابا بوده و یک ساعت را هم دور از مادر سپری نکرده و دیگری که با لباس فرم مدرسه پا به دانشگاه گذاشته و متعجب از حجمه نگاه های سایرین به خود است و جویای علت آن...

از حال آن پسر ترم اولی که از سمت دختران وارد بوفه شده و روی نیمکت دختران نشسته و از پیچ پیچ دختران اطراف متحیر است تا اینکه مسئول بوفه با خنده ای ملیح او را به قسمت خودشان راهنمایی میکند و حال مایوس کننده ای که در میان خنده دختران به او دست می دهد....

از این طرف و آن طرف رفتن های ترم اولی های غریب از ناراحتی سلام ندادن های همکلاسی ها از فراموش کردن رزرو نکردن غذا و از آوردن پک لوازم التحریر کامل در ماه اول و بقیه موضوعات این چنینی که بگذریم.

مهر شاید از زیباترین ماه های سال باشد که به عنوان بهار سال تحصیلی از آن یاد می شود

و ما هم بهار تحصیلی با زیبایی ها اتفاقات جالب فراوانی رو برای شما دانشجویان عزیز آرزومندیم

پنگوئن ها عاشق می شوند



وقتی یه پنگوئن عاشق پنگوئن دیگه میشه ، کل ساحل رو میگردد و قشنگترین سنگ رو انتخاب میکنه ، اون رو واسه جفت ماده میبره ، اگر ماده از سنگ خوشش اومد و قبول کرد جفت هم میشن؛

ولی اگر قبول نکرد پنگوئن نر احساس میکنه سنگی که پیدا کرده اصلا قشنگ نبوده و اونوقت اونو میبره زیر آب لای مرجانها میندازه تا دیگه هیچ پنگوئنی اشتباه اونو تکرار نکنه و نا امید نشه .

اما! تکرار، تکرار، تکرار، تکرار میکنیم و هی اشتباهات خودمون رو کنیم اشتباه ما رو تکرار کنند. به دیگران هم توصیه می کنیم

بعضی وقتها پنگوئنی باشیم



طراح : خاطره دائی چینی